

مطالعه جامعه‌شناختی رابطه سرمایه انسانی و توسعه اقتصادی - اجتماعی در ایران (با تأکید بر برنامه‌های ۵ ساله توسعه اول تا ششم)

مجتبی روحانی یزدلی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران

طاهره میرساردو^۱

دانشیار و عضو هیأت علمی گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران

عبدالرضا ادهمی

دانشیار و عضو هیأت علمی گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۶

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی رابطه سرمایه انسانی و توسعه اقتصادی - اجتماعی از نظر اساتید دانشگاه‌ها و دانشجویان دوره دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال بود. در این تحقیق از دو روش تحقیق پیمایشی و نظریه زمینه‌ای استفاده شد. جامعه آماری تحقیق از یک سو دانشجویان و از سوی دیگر اساتید متخصص در حوزه توسعه اقتصادی - اجتماعی بودند. تعداد نمونه اساتید ۱۰ نفر بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و با اشیاع نظری انتخاب شد. جامعه آماری کلیه دانشجویان دوره دکتری رشته‌های جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و اقتصاد مشغول به تحصیل در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال که در نیمسال دوم ۹۸-۹۹ مشغول به تحصیل بودند، نمونه دانشجویان ۲۰۰ نفر بود. اعتبار پرسشنامه با اعتبار صوری و پایایی داده‌ها با استفاده از روش آزمون و آزمون مجدد و آزمون آلفای کرونباخ مورد سنجش قرار گرفت. در پیمایش ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته و در مطالعه کیفی مصاحبه نیمه ساخت یافته بود. فرضیه‌ها با استفاده از نظریه سرمایه انسانی تدوین شده‌اند. یافته‌های پیمایش، حاکی از وجود رابطه معنادار قوی بین مؤلفه‌های سرمایه انسانی (تخصص، نوآوری، نخبه‌گرایی) و توسعه اقتصادی - اجتماعی است. نتایج مطالعه کیفی نشان داد که، شرایط علی پاسخگویی، حاکمیت قانون، اجماع عمومی، شفافیت، کارایی و اثربخشی، حقوق مساوی و مسئولیت‌پذیری شناسایی شده و پدیده محوری اقتصاد تک محصولی که در زمینه فعالیت بخش خصوصی، استقلال مردم و رسانه‌ها، نقش دولت، اشتراک دولت و مردم، ظرفیت سیاسی و سازمانی دولت، دولت و تأمین رفاه و بسترسازی دولت پدید آمده است. تخصص، نخبه‌گرایی و نوآوری به عنوان شرایط مداخله‌گر و اقتصاد تک محصولی منجر به اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، حمایت اجتماعی و مشارکت اجتماعی می‌شود که پیامدهای چنین کنش‌ها و واکنش‌هایی رفاه، امنیت اجتماعی، عدالت اجتماعی و آموزش همگانی است.

واژگان کلیدی: سرمایه انسانی، توسعه اقتصادی - اجتماعی، تخصص، نوآوری، نخبه‌گرایی.

^۱ نویسنده مسئول: t.mirsardoo56@gmail.com

مقدمه

برنامه‌ریزی برای توسعه در هر کشوری با توجه به نیازها و شرایط و مقتضیات آن کشور صورت می‌گیرد و ظرفیت‌ها و نیازهای هر کشوری نوع خاصی از برنامه‌ریزی‌های بلند مدت و کوتاه مدت را مشخص می‌کند. در ایران نیز هم راستا با سیاست جهانی، استراتژی‌ها و برنامه‌هایی برای توسعه در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران مانند قانون اساسی، سند چشم‌انداز و برنامه‌های توسعه پنج ساله به صورت بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت تهیه شده است. ایران با پنجاه سال سابقه برنامه‌ریزی از پیشگامان برنامه‌ریزی توسعه در جهان است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل وقوع جنگ تحمیلی و تبعات آن حدود یک دهه کشور از برنامه توسعه‌ای محروم بود و از انتهای دهه شصت اولین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی کشور به اجرا درآمد. از آن تاریخ تاکنون پنج برنامه توسعه تدوین و به اجرا درآمده و امکان مشاهده و ارزیابی نتایج حاصله و نقد سیاست‌های فوق فراهم است (جغتایی، ۱۳۹۵: ۵۸).

در دوره‌ی اول، برنامه‌های توسعه، اغلب مدافع الگوی نوسازی بودند و رشد را فرایندی خطی و توسعه را معادل رشد اقتصادی می‌دانستند. کشورها برای رسیدن به توسعه می‌بایست برنامه‌های خود را بر افزایش تولید ناخالص داخلی متمرکز می‌کردند؛ چرا که راهبرد رشد، به صورت غالب مطرح بود. این راهبرد دو نکته‌ی برجسته را در خود دارد: حمایت از صاحبان ثروت برای ترغیب آن‌ها به سرمایه‌گذاری در مناطق جغرافیایی برخوردار و جایگزینی کالاهای وارداتی با کالاهای تولید شده‌ی داخل که نیازمند ایجاد و گسترش صنایع سرمایه‌بر است. به تعبیر آلن تورن، نظریه‌ی نوگرایی، در مورد ملت با بیشترین نیرو عرضه و آشکار شد و به مهم‌ترین مقاومت‌ها نیز برخورد (غفاری و امیدی، ۱۳۸۸: ۱۹۹). برنامه اول توسعه توانست به رشد متوسط سالانه ۷/۳ درصد در سال دست یابد. با پایان برنامه اول توسعه در سال ۱۳۷۲ با توجه به ایجاد مشکلات در اجرای برنامه اول، تا سال ۱۳۷۴ تصویب و اجرای برنامه دوم توسعه به تأخیر افتاد و عملاً کشور دو سال بدون داشتن برنامه اداره شد. در محور تولید و رفاه، بهترین عملکرد در بین برنامه‌های پنج ساله را برنامه اول توسعه داشته است. همچنین، در زمینه کوچک‌سازی و متناسب‌سازی اندازه دولت و توسعه بخش خصوصی و غیردولتی نیز بهترین وضعیت در برنامه اول توسعه محقق

شده است. برنامه اول توسعه با نرخ رشد اقتصادی ۷/۴ بیشترین رشد اقتصادی را در بین برنامه‌های پنج ساله داشته است (شقایق شهری، ۱۳۹۶: ۲۳۳-۲۳۴).

با وجود اینکه برای بازسازی کشور، حساب ویژه‌ای روی برنامه پنج ساله اول توسعه باز شده بود، اما در عمل بسیاری از اهداف مشخص شده و شاخص‌های تعیین شده در برنامه محقق نشد؛ به طور مثال رشد تولید ناخالص داخلی که قرار بود به ۸/۱۶ درصد برسد به ۷/۵۲ درصد رسید یا رشد سرمایه‌گذاری که در اهداف مشخص شده قرار بود به ۱۲/۴۴ درصد برسد به نصف این شاخص یعنی ۶/۷۶ درصد رسید. در دیگر شاخص‌ها مانند صادرات نفت و گاز، نرخ تورم و نرخ بیکاری نیز وضعیت به همین صورت بود. رشد اقتصادی که در سال ۱۳۷۰ حدود ۱/۱۲ درصد بود در سال ۱۳۷۲ به ۱/۵ درصد رسید (فوزی، ۱۳۹۵: ۴۶). هر چند افزایش رشد اقتصادی، به خصوص در مقایسه با سال‌های قبل از برنامه دستاورد مثبت برنامه محسوب می‌شود اما در مقایسه با رشد هدف‌گذاری شده در برنامه، پایین‌تر بود که حاکی از عدم تحقق صد در صد اهداف برنامه است. الگوی برنامه دوم، برنامه‌ریزی جامع اقتصادی با استراتژی رشد و توسعه پایدار، حمایت از صنایع داخلی و کاهش وابستگی به درآمد نفت انتخاب شد. این برنامه به دلیل نوسانات حاکم بر قیمت نفت در بازارهای جهانی و عدم توفیق کامل دولت در اجرای بهینه طرح‌های خصوصی سازی و اصلاح ناکارآمد شرکت‌های دولتی و سایر مسائل با توفیق همراه نشد (شقایق شهری، ۱۳۹۶: ۲۱۳). حاصل تلاش‌های انجام شده در طول برنامه سوم، دستیابی به متوسط رشد اقتصادی سالانه ۶/۱ درصدی و رشد سرمایه‌گذاری ۱۰/۷ درصدی بوده که بیش‌تر از اهداف برنامه است. عملکرد بازار کار در برنامه سوم نسبت به برنامه دوم در وضعیت بهتری قرار داشت، به طوری که نزدیک به ۷۶ درصد فرصت‌های شغلی جدید تحقق یافت و نرخ بیکاری در پایان برنامه به کمتر از میزان هدف‌گذاری شده، رسید. به طوری کلی این برنامه نسبت به برنامه‌های دیگر موفق‌تر عمل کرد و منجر به بهبود شرایط عمومی کسب و کار شد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۰). در محورهای اصلی شاخص‌های مالی، قیمت‌ها و کنترل تورم و نیز در محور بازار کار، اشتغال و بهره‌وری، بهترین عملکرد را برنامه سوم توسعه داشته است، به طوری که متوسط نرخ تورم در این دوره به ۱۵/۷ درصد رسید که

پایین‌ترین متوسط نرخ تورم در میان برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب به شمار می‌رود (شقاقی شهری، ۱۳۹۶: ۲۳۳). در مجموع در بررسی این دوره باید گفت که علیرغم ثبات اقتصادی و تعادل اقتصادی در بخش‌های مختلف و توجه بیشتر به بحث رشد توأم با عدالت اجتماعی و علیرغم برخی موفقیت‌ها، اما این دولت نیز نتوانست تحول مهمی را در ساختار اقتصادی کشور بوجود آورد (فوزی، ۱۳۹۵: ۴۷).

برنامه چهارم توسعه بهترین وضعیت را در تحقق عدالت، فقرزدایی و توزیع عادلانه درآمد داشت (شقاقی شهری، ۱۳۹۶: ۲۳۳). با این حال، علیرغم اینکه ضریب جینی و شاخص‌های توزیع درآمد بهبود نسبی را نشان می‌دهند اما رشد اقتصادی طی سال‌های ۸۴ تا ۹۱ بسیار متغیر و بی‌ثبات و نزولی است و شاخص‌های مهم اقتصادی دیگر همچون تورم، رشد نقدینگی، کاهش ارزش پول ملی و... از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست که این روند نشان می‌دهد که نگاه بسیار ساده‌انگارانه به عدالت و بخشی دیدن عدالت بدون توجه به ابعاد دیگر، موجب شد تا دیگر شاخص‌های اقتصادی در وضعیت نامطلوبی قرار گیرد و تحول مهمی در ساختار اقتصادی کشور رخ نداد (فوزی، ۱۳۹۵: ۴۹). درباره برنامه پنجم توسعه به دلایل گوناگون از جمله عدم توجه به اهداف، بی‌برنامگی و تأثیر تحریم‌های شدید بین‌المللی با عدم تحقق اهداف پیش‌بینی شده مواجه شدیم (شیرزادی، ۱۳۹۰: ۱۸۹). برنامه پنجم توسعه با نرخ رشد اقتصادی ۳۸٪- کمترین رشد اقتصادی را داشته است. در خصوص توزیع درآمد در برنامه پنجم توسعه ضریب جینی نیز به ۰/۳۹ افزایش داشته و شواهد قوی دال بر بهبود وضعیت توزیع درآمد مشاهده نمی‌شود (شقاقی شهری، ۱۳۹۶: ۲۳۳). علاوه بر عواملی همچون مشکلات تحریم و کمبود اعتبارات مالی در کشور باید به اشکالات وارد بر ساختار اقتصادی کشور اعم از سیستم بانکی و مالیاتی و نحوه نگهداشت ارزش پول ملی نیز اشاره کرد.

در راستای تحقق اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله و اجرای سیاست‌های کلی، لایحه برنامه ششم توسعه و اقتصاد مقاومتی، برای سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۹، به منظور دستیابی به رشد اقتصادی متوسط سالیانه ۸ درصد و ضریب جینی ۳۴ درصد در سال پایانی برنامه ارائه شد. اولویت‌ها و مسائل محوری برنامه عبارت بود از: ۱- موضوعات خاص راهبردی شامل آب و محیط زیست؛ ۲- موضوعات خاص مکان محور

شامل توسعه سواحل مکران و حاشیه شهرها؛ ۳- موضوعات خاص بخشی پیشروی اقتصاد شامل معدن و صنایع معدنی، گردشگری، ترانزیت و حمل و نقل ریلی، فناوری اطلاعات و ارتباطات و انرژی (مصطفوی، ۱۳۹۵: ۶۵). همان گونه که ملاحظه می شود، برنامه با اهداف و اولویت های چندگانه مواجه است و گفته می شود که هدف های زیاد یعنی بی هدفی. با توجه به حساس بودن اوضاع خاورمیانه، دگرپرسی در جایگاه سوخت فسیلی، شوک های نفتی، وضعیت ارزی و عدم دستیابی کامل به اهداف برنامه های قبلی، اولویت های این برنامه با ملاحظه سند موجود، دقیقاً مشخص نیست (همان، ۶۶). موانع و مشکلات بر سر راه تحقق اهداف این برنامه ها متعدد بوده است که بعضی ناشی از ضعف مدیریت و عدم رویکرد صحیح دولت به این شاخص ها بوده و برخی دیگر نیز به دلیل پرداختن به مسائل فرعی و بی توجهی به مسائل اصلی برنامه ایجاد شده است.

مرور تحقیقات در خصوص علل عدم توفیق برنامه های توسعه در کشورها نشان می دهد که در دهه های اخیر محققان توسعه تأثیر گذاری انواع سرمایه ها که سرمایه انسانی یکی از مهم ترین آنهاست، اهمیت خاصی دارد. پذیرش عامل سرمایه انسانی به عنوان یک جریان اصلی در ادبیات اقتصادی به اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی مربوط می شود؛ یعنی زمانی که اقتصاددانان تلاش کردند توضیح قانع کننده ای برای بخش عمده ای از رشد اقتصادی که بدون توضیح باقی مانده بود، ارائه دهند. آموزش، انسان را به سرمایه انسانی تبدیل می کند که در برگیرنده مهارت مورد نیاز برای بخش سنتی و بخش مدرن اقتصاد است و قدرت تولیدی اشخاص را بیشتر می کند. آموزش فنی و عمومی هر دو از طریق ایجاد توانایی در افزایش قدرت تولیدی جمعیت و به ویژه نیروی کار باعث افزایش درآمد می شود. هسته اصلی نظریه سرمایه انسانی آن است که آموزش، قدرت تولیدی نیروی کار را افزایش می دهد که آن نیز به افزایش رشد اقتصادی منجر می شود. نیروی انسانی مهم ترین عامل موفقیت و دوام جامعه می باشد و بقا و موفقیت جامعه در گرو بهره وری گروه های کاری آن است. امروزه نیروی انسانی تنها به عنوان یک عامل کمی در تولید و توسعه مطرح نیست بلکه توجه به کیفیت و کارایی نیروی کار و افزایش بهره وری آن بسیار مورد بحث است (آقایی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۲). آموزش نیروی انسانی به منظور رشد

و توسعه اقتصادی - اجتماعی، نقش عنصر و عامل اصلی را بازی می‌نماید. زیرا آموزش در اشکال گوناگون خود به عنوان یک عامل تسریع و شتاب دهنده از عوامل توسعه اقتصادی - اجتماعی می‌باشد. شومپیتر بر خلاف دیگر اقتصاددانان معتقد است که کارآفرینان تنها به دنبال منافع و سود نیستند؛ بلکه انگیزه‌های دیگری چون رفاه جامعه، رضایت، شهرت و تعالی و دیگر منافع غیر پولی نیز مهم هستند و کارآفرینی تابع شرایط اقتصادی خاص چون مشوق‌های اقتصادی، ارتباط بین انگیزه‌ی درونی فرد و دستاوردهای اقتصادی مطلوب و سود اقتصادی است. سرمایه‌انسانی در نظریات کارآفرینی تجربه، دانش و مهارت را شامل می‌شود که دانش از طریق آموزش کسب و تجربه منبعی است که به صورت ناهمگن بین افراد توزیع شده است و این نوع سرمایه به عنوان یک منبع حیاتی موفقیت در شرکت‌های کارآفرینانه شناخته می‌شود و روی سطح کارآفرینی افراد تأثیر مثبتی دارد (عبدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۹۳). برای ارتقای سرمایه‌انسانی باید بر نوآوری و خلاقیت سرمایه‌انسانی تأکید نمود برای دستیابی به این مهم، افزایش سرمایه‌گذاری در منابع انسانی می‌تواند بر رشد اقتصادی تأثیر به‌سزایی داشته باشد. آدام اسمیت و کلاسیک‌ها نیز بر اهمیت سرمایه‌گذاری در زمینه مهارت و تخصص نیروی کار تأکید داشتند. چنین تفکراتی منجر به این شد که در یک تابع تولید، علاوه بر تعداد یا کمیت نیروی کار، کیفیت نیروی انسانی (مانند تحصیلات رسمی و آموزش ضمن کار) نیز وارد الگو شود. به هر صورت، در مطالعات نوین رشد مفهوم سرمایه از وضعیت کلاسیک «سرمایه‌گذاری در تجهیزات و ماشین‌آلات» به سرمایه‌گذاری در منابع انسانی نیز گسترش یافت (ربیعی، ۱۳۸۸: ۱۲۳).

تأثیر سرمایه‌انسانی بر رشد اقتصادی از دو ناحیه قابل تصور است. نخست، سرمایه‌گذاری در منابع انسانی با فرض ثابت بودن سایر شرایط، توان تولید افراد را افزایش می‌دهد. این برداشت در واقع، محور اصلی نظریه سرمایه‌انسانی است و بر مبنای آن هر چقدر انباشت سرمایه‌انسانی بیشتر باشد، انتظار می‌رود تولیدات با شتاب بیشتری رشد یابد. محور دیگر تحلیل‌ها بر این نکته متمرکز است که این سرمایه‌گذاری‌ها افزایش تولیدات را از ناحیه انتقال فناوری جدید و کاربرد آن محقق می‌سازد. بر مبنای این ملاحظات، هر چقدر سرمایه‌انسانی از ناحیه آموزش بیشتر باشد، زمینه‌های لازم برای استفاده از فناوری وارداتی نیز بیشتر خواهد شد. اقتصاددانان مدت‌های مدیدی بر اهمیت و اثر سرمایه‌گذاری

در نیروی انسانی، آموزش، آموزش شغلی، مهاجرت نیروی کار، بهداشت روی افزایش کیفیت نیروی انسانی تأکید داشته و آن را موجب افزایش بهره‌وری دانسته و به درستی به این‌ها نام سرمایه گذاری داده- اند(آقایی، ۱۳۹۲: ۲۹).

دیدگاه نظری	نظریه پرداز	دیدگاه نظری
- انسان‌ها با آموزش به سرمایه تبدیل می‌شوند. - افراد متخصص و مهارت دیده از توانایی تولیدی بیشتری برخوردار دارند و در فرایند تولید، خالق ارزش‌های بیشتری می‌باشند. هر قدر تعداد افراد تحصیل کرده و متخصص در جامعه بیشتر شود، آن کشور قادر خواهد بود که تولید ملی بالاتر و در آمد افزون تری دست یابد.	آدام اسمیت	سرمایه انسانی
- رشد و توسعه اقتصادی تنها در نتیجه افزایش سرمایه فیزیکی رخ نمی‌دهد و نباید نقش کلیدی انسان و سرمایه انسانی را از نظر دور داشت. - وی بر تأثیر ابعاد اجتماعی در تحقق نوسازی و رشد و توسعه تأکید دارد.	شومپتر	

پژوهش‌های زیادی به رابطه میان سرمایه انسانی و پیامدهای مثبت در حوزه‌ها و سطوح گوناگون اقتصادی و اجتماعی توجه کرده‌اند. در بررسی تأثیرات سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در استان‌های ایران، نتایج نشان داد که شاخص سرمایه انسانی تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی هر سه گروه داشت. البته، تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در استان‌های توسعه یافته بیشتر از دو گروه دیگر بود و بخشی از شکاف توسعه‌ای را که میان سه گروه وجود دارد، می‌توان بر اساس شکاف موجود در شاخص سرمایه انسانی آنها توضیح داد(آقایی و همکاران، ۱۳۹۲). بررسی تأثیر سرمایه انسانی بر رشد و توسعه اقتصادی با تأکید بر نقش توزیع نیروی متخصص کار با تأکید بر برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بین سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۸ حاکی از این واقعیت بود که دستگاه‌های موصوف به تکالیف قانونی خود عمل نموده، که این مهم سبب رشد سرمایه انسانی در جامعه مورد بررسی شده که با عنایت به چارچوب نظری رشد سرمایه انسانی رشد و توسعه اقتصادی را به‌مراه داشته است(سیف‌اللهی، ۱۳۸۹).

تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در ایران نشان داد که رشد سطح سواد در بزرگسالان و نیز رشد متوسط سال‌های تحصیل نیروی کار، تأثیر مثبت و معناداری روی رشد تولید ناخالص داخلی داشته است. (تقوی و محمدی، ۱۳۸۵). تحقیقی با عنوان "سرمایه انسانی و رشد اقتصادی در کامرون" که به بررسی تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی کامرون در دوره زمانی ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰ پرداخته شد. متدولوژی این تحقیق، بر پایه مدل رشد منکیو - رومر و ویل بوده و مدل رگرسیون فرموله شده سری‌های زمانی را با استفاده از علیت انگل - گرنجر تحلیل می‌کند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که سرمایه انسانی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی کامرون دارد (نایا و همکاران^۱، ۲۰۱۲). در مطالعه‌ای با عنوان "رابطه سرمایه انسانی و رشد اقتصادی" از روش علیت گرنجر و هم‌جمعی جهت تعیین ارتباط و جهت علیت بین هزینه اجتماعی (به عنوان تقریبی از سرمایه انسانی) و رشد اقتصادی استفاده شده است. نتایج حاکی از آن است که متغیرهای توضیحی مدل (هزینه‌های عمده آموزش، هزینه‌های عمومی بهداشت، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص و خدمات پرداخت بدهی) در دوره زمانی تعیین شده هم جمع می‌باشد و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد (ایمران و همکاران^۲، ۲۰۱۲). بنابر مطالعات موردی ذکر شده، شاخص‌های مربوط به سرمایه انسانی و توسعه اقتصادی - اجتماعی و نتایج بدست آمده در مطالعات مختلف، گوناگون بوده است. با توجه به اینکه دولت ایران در آستانه شروع برنامه هفتم توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور قرار دارد و برای دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز، تحولات اساسی در عرصه اقتصادی، اجتماعی، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری ضرورت می‌یابد، اهمیت این پژوهش برجسته می‌شود.

با توجه به مباحث فوق در خصوص عدم توفیق برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی و علل مطرح شده توسط محققان و متخصصان، در این تحقیق سؤال اساسی این است که چه رابطه‌ای بین سرمایه انسانی و توفیق برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی وجود دارد؟ و کدام شاخص‌های سرمایه انسانی اثر گذاری بیشتری بر توفیق برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی دارند؟

1 - Naya

2 - Imran

مرور مطالعات مرتبط با موضوع مطالعه حاکی از آن است که در خصوص سرمایه انسانی و توسعه اقتصادی اجتماعی مطالعات زیادی در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است. این مطالعات رابطه مثبت و معناداری را میان شاخص های سرمایه انسانی با توسعه اقتصادی - اجتماعی نشان داده اند. بر اساس نتایج آنها بهبود عناصری مانند تخصص، آموزش، نخبه گرایی و نوآوری اثرات مستقیمی بر توسعه اقتصادی - اجتماعی دارد (عبدی، ۱۳۹۶؛ سیف اللهی، ۱۳۸۹؛ نجات، ۱۳۹۹؛ عمادزاده، ۱۳۷۹؛ نایا و همکاران، ۲۰۱۱؛ ایمران و همکاران، ۲۰۱۲؛ کو- اچ س یین یانگ^۱، ۲۰۱۰، آرورا^۲، ۲۰۱۶، میدن درف^۳، ۲۰۰۳). ویژگی متمایز تحقیق حاضر بررسی رابطه سرمایه انسانی و توسعه اقتصادی - اجتماعی بر مبنای میزان توفیق ۶ برنامه توسعه پنج ساله در ایران است که در هر برنامه نقش دولت های مستقر بر اساس شاخص های سرمایه انسانی مورد سنجش قرار گرفته است.

به لحاظ نظری محاسبه کیفیت سرمایه انسانی نیازمند شاخص ها و معیارهای کمی مناسبی است که بتوان با استفاده از آنها نحوه اثرگذاری مؤلفه های سرمایه انسانی را بر عملکرد اقتصادی - اجتماعی بررسی کرد. سرمایه انسانی دارای ابعاد و مؤلفه های فراوانی است که متناسب با فرهنگ جامعه می باشد؛ مؤلفه هایی چون نوآوری، نخبه گرایی، تخصص، دانش، تحصیلات، شایستگی های کاری، پویایی و ارزیابی های روان سنجی در این زمینه مد نظر می باشد. با این وجود به نظر ما مؤلفه های نوآوری، نخبه گرایی و تخصص که در یک رابطه متعامل با هم قرار گرفته و هر کدام تقویت کننده دیگری است از مؤلفه های اصلی سرمایه انسانی محسوب می شوند. این سه مؤلفه از مفاهیم کلیدی جامعه شناسی نیز هستند.

۱- **نخبه گرایی:** یکی از مهمترین متفکرانی که مفصلاً در ارتباط با مفهوم نخبگان نظریه پردازی کرده است، ویلفردو پارتو^۴، جامعه شناس و اقتصاددان معروف ایتالیائی می باشد. بنا به باور پارتو، در یک

1 - Ko-Hsin Yang

2 - Aurora A.C

3 - Middendorf

4- Vilfredo Pareto

گروه اجتماعی، نخبگان به کسانی اطلاق می‌شوند که از بیشترین شایستگی و لیاقت برخوردارند و در نتیجه نسبت به بقیه، برتری و توفق دارند. پارتو معتقد است برای این شایستگی و لیاقت، معیارهایی مانند هوش، مالکیت، ثروت، تجربه، تخصص و برخورداری از سطح آموزشی بالا و پیشرفته ملاک قرار می‌گیرند. بنابراین، نخبگان، برگزیدگانی هستند که در مسابقه‌ی زندگی، نمره‌های خوبی را از آن خود کرده‌اند (طلوعی، ۱۴۰۰: ۲۵). در واقع، در هر جامعه‌ای که طبیعتاً از طبقات و اقشار اجتماعی گوناگون تشکیل شده است، به جز توده‌ها که بدنه‌ی اصلی و اکثریت طبقات و اقشار مزبور را می‌سازند و در لایه‌ی پائین جامعه قرار دارند، نخبگان که در لایه‌ی بالا یا در رأس هرم واقع شده‌اند به نخبگان حکومتی و غیرحکومتی تقسیم می‌شوند. در این میان، نقش‌آفرینی نخبگان حکومتی در سیاست و انجام وظایف و تصرف مناصب در امور حکومتی، امری مستقیم است؛ در حالی که نخبگان غیرحکومتی، در تصمیمات سیاسی مستقیماً نفوذ ندارند، بلکه در دیگر حوزه‌های غیر سیاسی و غیر حکومتی از تاثیرگذاری برخوردارند (کوزر، ۱۳۹۹: ۵۲۳-۵۲۴).

۲- **نوآوری:** تغییر و تحول در ذهن انسان توسعه یافته به عنوان یک ارزش مطرح است. او به دنبال دست یابی به راه حل مسایل یا بهبود شرایط موجود است. این انسان، ذهنی حساس دارد و به دنبال شناسایی مسایل و مشکلات است و درباره‌ی آن‌ها به تفکر و اندیشه می‌پردازد، او در می‌یابد که حل مسایل روش‌های گوناگونی دارد و خلاقیت به او این امکان را می‌دهد که مناسب‌ترین راه را انتخاب نماید یا خود، آن را به وجود آورد (جوآنمرد، ۱۳۸۹: ۶۹). در تشریح نظام‌های اقتصادی و اجتماعی، نگاه به مفهوم نوآوری در موج پنجم آن معطوف به روابط نظام مند و تعاملات داخلی و خارجی یکپارچه و همچنین شبکه‌سازی است. اساساً تلقی از نظام مجموعه‌ای از اجزای به هم مرتبط است که در راستای هدفی مشخص حرکت می‌کنند و نگرش نظام‌مند بودن نوآوری و اهمیت آن، در تحلیل‌های اقتصادی و مطالعات سیاست‌گذاری، تغییرات بنیادینی یافته است. نظام متشکل از اجزایی است که بازیگران مهمترین آن‌ها هستند. در نظریه‌های اقتصادی، نوآوری به طور فزاینده‌ای خروجی تعامل بین سیستم‌های علمی، اقتصادی و سیاسی شناخته می‌شود (کارگرشاهت، ۱۳۹۷: ۷۲).

۳- **تخصص:** مهارت و توانایی و معلومات تخصصی هر فرد، در واقع به مثابه‌ی دارایی و ثروتی است که در اختیار اوست و بزرگترین سرمایه، سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی است این سرمایه‌گذاری، زمینه‌ی ایجاد توانایی‌ها و مهارت‌ها را در انسان فراهم می‌کند و دارای بیشترین بازدهی است. هر چه از سرمایه‌ی انسانی استفاده‌ی بیش‌تری به عمل آید، موجب افزایش مهارت‌های آن‌ها می‌شود و باعث ارتقای کیفیت کار آنان خواهد شد. هم‌چنین، سرمایه‌ی انسانی قابلیت سازگاری بیشتری با شرایط متغیر و گوناگون دارد (جوانمرد، ۱۳۸۸: ۶۸).

در این تحقیق بر اساس مؤلفه‌های فوق، فرضیه‌های زیر تدوین شده‌اند:

فرضیه اصلی: به نظر می‌رسد بین سرمایه انسانی و توسعه اقتصادی - اجتماعی رابطه معنی دار وجود دارد.

بر اساس مؤلفه‌های سرمایه انسانی فرضیه‌های فرعی زیر استخراج شده‌اند:

به نظر می‌رسد بین نخبه گرایی و توسعه اقتصادی - اجتماعی رابطه معنی دار وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین نوآوری و توسعه اقتصادی - اجتماعی رابطه معنی دار وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین تخصص و توسعه اقتصادی - اجتماعی رابطه معنی دار وجود دارد.



شکل ۱: مدل نظری تحقیق

روش‌شناسی

پژوهش حاضر مبتنی بر دو مطالعه کمی و کیفی است. در مطالعه کمی از روش تحقیق پیمایش و در مطالعه کیفی از روش تحقیق نظریه‌زمینه‌ای استفاده شده است. با استفاده از روش پیمایشی به بررسی رابطه سرمایه انسانی و توسعه اقتصادی - اجتماعی در ایران (با تأکید بر برنامه‌های ۵ ساله توسعه اول تا ششم) پرداخته شد و برای دستیابی به نظر متخصصان حوزه توسعه اقتصادی - اجتماعی در مورد رابطه متغیرهای اصلی تحقیق از روش نظریه‌زمینه‌ای استفاده شد. جامعه آماری در مطالعه پیمایشی جامعه آماری کلیه دانشجویان دوره دکتری رشته جامعه‌شناسی، اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال بود که بیش از دو نیمسال از تحصیل آنها به پایان رسیده و در نیمسال دوم

۱۳۹۸-۱۳۹۹ مشغول به تحصیل بودند که تعداد آنها طبق لیست آموزش واحد ۲۳۶ نفر بود. با توجه به شرایط پاندمیک دسترسی به کلیه این دانشجویان امکان پذیر نبود، بنابراین تنها ۲۰۰ نفر از آنها (۸۲ نفر زن و ۱۱۸ نفر مرد) به عنوان نمونه مورد مطالعه قرار گرفتند و پرسشنامه به صورت حضوری اجرا و تکمیل شد. جامعه آماری تحقیق کیفی کلیه اساتید دانشگاه‌های شهر تهران و متخصص در حوزه توسعه اقتصادی- اجتماعی بودند. باز به علت شرایط پاندمیک امکان برقراری ارتباط با آنها به راحتی مقدور نبود، بنابراین با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند که مستلزم استفاده از نمونه‌گیری گلوله برفی بود نظر ۱۰ نفر از این اساتید در مورد موضوع مورد مطالعه کسب شد، جهت دستیابی به نمایایی نمونه از اشباع نظری استفاده شد. ابزار گردآوری اطلاعات در تحقیق پیمایشی پرسشنامه محقق ساخته و در تحقیق نظریه زمینه ای مصاحبه نیمه ساخت یافته بود.

متغیر مستقل سرمایه انسانی بود که برای سنجش آن از سه مؤلفه نخبه گرایی، نوآوری و تخصص استفاده شد. هریک از شاخص‌ها با یک گویه و هر گویه با استفاده از مقیاس ۵ گزینه‌ای لیکرت اندازه‌گیری شد. برای سنجش متغیر وابسته یعنی توسعه اقتصادی اجتماعی ایران، شاخص توفیق در ۶ برنامه توسعه اقتصادی- اجتماعی مورد استفاده قرار گرفت که با یک گویه با استفاده از مقیاس ۵ گزینه‌ای لیکرت اندازه‌گیری شد. وزن هر گزینه به ترتیب از کم به زیاد با نمرات ۱ (بسیار مخالف)، ۲ (مخالف)، ۳ (بی نظر)، ۴ (موافق) و ۵ (بسیار موافق) در نظر گرفته شد. بعد از جمع آوری اطلاعات جهت آزمون رابطه متغیرها میانگین وزن تک تک شاخص‌ها و میانگین وزن کلیه شاخص‌های سرمایه انسانی و توسعه اقتصادی اجتماعی محاسبه و مورد استفاده قرار گرفت.

اعتبار پرسشنامه با استفاده از اعتبار صوری یعنی قضاوت داوران اندازه‌گیری شد که پس از تأیید استاد راهنما و دو استاد متخصص پرسشنامه نهایی آماده شد. برای تأیید پایایی داده‌ها با استفاده از آزمون - آزمون مجدد روی ۳۰ نمونه از آزمودنی‌ها، داده‌های مطالعه مقدماتی جمع آوری و همبستگی داده‌های مرتبط با گویه‌ها با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ تأیید شد. در تجزیه و تحلیل داده از آمار توصیفی

و استنباطی استفاده شد. با توجه به اینکه مقیاس مورد استفاده در اندازه‌گیری شاخص‌های متغیر مستقل و وابسته ترتیبی بود از آزمون اسپیرمن برای سنجش معنا داری رابطه‌ها و همبستگی متغیرها استفاده شد.

یافته‌ها

الف - یافته‌های توصیفی

یافته‌های توصیفی حاصل از پیمایش، حاکی از آنند که ۴۱ درصد آزمودنی‌ها زن و ۵۹ درصد مرد هستند. همچنین ۴۶ درصد که بالاترین میزان است در گروه سنی ۳۰-۴۰ سال، ۶۰ درصد متأهل، ۹۲ درصد شاغل و ۲۹/۵ درصد یعنی بالاترین میزان دارای درآمد ۵ میلیون و بیشتر بودند. داده‌های توصیفی مربوط به نظر آزمودنی‌ها در مورد سرمایه انسانی و میزان توفیق برنامه‌های پنج ساله توسعه یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشترین انباشت در گزینه‌های خیلی کم، کم و سپس متوسط است. داده‌ها از یکسو نشان دهنده این است که اکثر پاسخگویان معتقدند که برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی توفیق کم و بسیار کمی داشته‌اند (۳۶/۵٪ خیلی کم و ۵۴٪ کم). از سوی دیگر حاکی از آن است که اکثر آنها اعتقاد دارند که تأثیر سرمایه انسانی در سه بعد نخبه‌گرایی، نوآوری و تخصص بالا است. به طوری که در بعد تخصص با میانگین ۴/۹۱، ۹۲ درصد موافق استفاده از افراد متخصص بوده‌اند، در بعد نوآوری با میانگین ۴/۸۷، ۹۰ درصد موافق استفاده از افراد نوآور و خلاق بوده‌اند و در بعد نخبه‌گرایی با میانگین ۴/۷۲، ۷۶ درصد موافق بازگشت و به کارگیری نخبگان و افراد برجسته‌ای که مهاجرت کرده‌اند، بوده‌اند. همچنین، هیچ یک از پاسخگویان گزینه‌ی خیلی زیاد را انتخاب نکرده‌اند.

برای سنجش رابطه سرمایه انسانی و توسعه اقتصادی - اجتماعی رابطه هر یک از شاخص‌های سرمایه انسانی با توسعه به صورت فرضیه‌های پژوهش به آزمون نهاده شده است، که برای آزمون فرضیه‌ها، و پاسخ به پرسش پژوهش از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شده است.

ب- یافته‌های مربوط به فرضیه‌ها

فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین نخبه‌گرایی و توسعه اقتصادی - اجتماعی رابطه معنی دار وجود دارد.

جدول شماره ۱: رابطه به متغیرهای نخبه گرایی و توسعه اقتصادی - اجتماعی

متغیر مستقل	نام آزمون	مقدار آزمون	سطح معنی داری
نخبه گرایی	ضریب همبستگی اسپیرمن	۰/۴۶۵	۰/۰۰۰

نتایج آزمون اسپیرمن نشان می دهد که رابطه‌ی معناداری بین بعد نخبه گرایی با توسعه اقتصادی- اجتماعی وجود دارد ($Sig = ۰/۰۰$). این همبستگی مثبت بوده، در سطح $۰/۴۶۵$ و با سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. بدین معنا که با افزایش نخبه گرایی بر توسعه اقتصادی- اجتماعی افزوده می شود.

فرضیه دوم: به نظر می رسد بین نوآوری و توسعه اقتصادی - اجتماعی رابطه معنی دار وجود دارد.

جدول شماره ۲: رابطه بین نوآوری و توسعه اقتصادی - اجتماعی

متغیر مستقل	نام آزمون	مقدار آزمون	سطح معنی داری
نوآوری	ضریب همبستگی اسپیرمن	۰/۴۳۰	۰/۰۰۰

نتایج آزمون اسپیرمن نشان می دهد که رابطه‌ی معناداری بین بعد نوآوری با توسعه اقتصادی- اجتماعی وجود دارد ($Sig = ۰/۰۰۱$). این همبستگی مثبت بوده، در سطح $۰/۴۳۰$ و با سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. بدین معنا که با افزایش نوآوری بر میزان توسعه اقتصادی- اجتماعی افزوده می شود.

فرضیه سوم: به نظر می رسد بین تخصص و توسعه اقتصادی - اجتماعی رابطه معنی دار وجود دارد.

جدول شماره ۳: رابطه بین تخصص و توسعه اقتصادی - اجتماعی

متغیر مستقل	نام آزمون	مقدار آزمون	سطح معنی داری
تخصص	ضریب همبستگی اسپیرمن	۰/۴۷۲	۰/۰۰۰

نتایج آزمون اسپیرمن نشان می دهد که رابطه‌ی معناداری بین بعد تخصص با توسعه اقتصادی- اجتماعی وجود دارد ($Sig = ۰/۰۰۰$). این همبستگی مثبت بوده، در سطح $۰/۴۷۲$ و با سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. بدین معنا که با افزایش تخصص بر توسعه اقتصادی- اجتماعی افزوده می شود.

فرضیه اصلی: به نظر می رسد بین سرمایه انسانی و توسعه اقتصادی - اجتماعی رابطه معنی دار وجود دارد.

جدول شماره ۴: رابطه بین سرمایه انسانی و با توسعه اقتصادی - اجتماعی

متغیر مستقل	نام آزمون	مقدار آزمون	سطح معنی داری
سرمایه انسانی	ضریب همبستگی اسپیرمن	۰/۴۸۷	۰/۰۰۰

با توجه به اینکه در تحقیق حاضر اساس مطالعه بر میزان توفیق برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران طی چهار دهه گذشته در رسیدن به اهداف مشخص در این برنامه‌ها بود، بنابراین، موانع توسعه اقتصادی - اجتماعی را بر اساس متغیرهای متعددی از جمله متغیر سرمایه انسانی به عنوان یک متغیر مستقل و متغیر توفیق برنامه‌های توسعه در ایران به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفت. متغیر مستقل توسعه یافتگی سرمایه انسانی با ۳ گویه که هر یک با طیف ۵ قسمتی لیکرت اندازه‌گیری شده اند مورد سنجش قرار گرفت. با توجه به رتبه‌ای بودن دو متغیر مستقل و وابسته برای سنجش میزان همبستگی این دو متغیر از آزمون اسپیرمن استفاده شد. نتایج آزمون نشان داد که میزان همبستگی دو متغیر برابر با 0.487 است و سطح معنی داری برابر 0.000 می‌باشد. این میزان، همبستگی تقریباً قابل قبولیست. بر اساس نتایج آزمون با ثابت نگاه داشتن سایر متغیرها، طبق داده‌ها 0.487 واحد از تغییرات متغیر توسعه اقتصادی ایران توسط متغیر مستقل توسعه یافتگی سرمایه انسانی جامعه تبیین می‌گردد. همبستگی دو متغیر مستقیم است و می‌توان اینگونه تفسیر کرد که هر قدر جامعه از توسعه یافتگی سرمایه انسانی بیشتری برخوردار باشد احتمال توسعه اقتصادی و اجتماعی بیشتر می‌شود. بر اساس نتایج آزمون فرضیه اصلی تحقیق تأیید می‌گردد.

پ- یافته‌های کیفی

در مرحله اول فرایند کدگذاری مبتنی بر روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای^۱، کدگذاری باز^۲ انجام شد که بر اساس آن، گزاره‌های خام مصاحبه، به مفاهیم تبدیل شدند. در مرحله دوم تحلیل داده‌ها کدگذاری محوری انجام شد که علاوه بر حذف مفاهیم غیرمرتبط، مفاهیم نزدیک به یکدیگر در قالب مقوله‌های جدید دسته‌بندی شدند. در سؤال اصلی تحقیق ما به دنبال تبیین نظری موانع توسعه اقتصادی - اجتماعی

1- Grounded Theory

2- Open Coding

بر اساس برنامه‌های ۵ ساله با دیدگاه جامعه‌شناختی، می‌باشیم. بر این اساس مدل نهایی ما در این پژوهش که پاسخ به سؤال اصلی می‌باشد، در جدول شماره ۶ ارائه شده است. بر اساس اطلاعات این جدول: مقوله‌های مرتبط با شرایط علی در بر گیرنده پاسخگویی، حاکمیت قانون، اجماع عمومی، شفافیت، کارایی و اثربخشی، حقوق مساوی، مسئولیت‌پذیری و مشارکت هستند.

مقوله‌های مرتبط با شرایط زمینه‌ای عبارتند از: فعالیت بخش خصوصی، استقلال مردم و رسانه‌ها، نقش دولت، اشتراک دولت و مردم، ظرفیت سیاسی و سازمانی دولت، دولت و تأمین رفاه و بسترسازی دولت مقوله مداخله‌گر در بر گیرنده تخصص، نخبه‌گرایی، نوآوری است.

مقوله پدیده (هسته): این مقوله در بر گیرنده دولت آینده فروش، رانت بیشتر از محل نفت، تولید نفت و مشروط کردن آینده کشور، وابستگی تولید به درآمدهای نفتی، اقتصاد نفتی، شکل‌گیری فعالیت‌های انگلی، تسخیر دولت و کنترل منابع نفتی است.

مقوله مرتبط با بعد تعاملی - فرایندی بیان‌گر آن دسته از تعامل‌ها و کنش‌هایی است که کنشگران در قبال آن شرایط از خود بروز داده‌اند. و عبارتند از: اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، حمایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی مقوله پیامدها بیانگر این است که استراتژی‌های به کار گرفته شده در مواجهه با موانع توسعه اقتصادی - اجتماعی بر اساس برنامه‌های ۵ ساله توسعه می‌تواند پیامدهایی نیز در پی داشته باشد. در پژوهش حاضر، پیامدها شامل رفاه گرایانه، امنیت اجتماعی، عدالت اجتماعی، آموزش همگانی است.

جدول شماره ۵: مقوله‌ها و مفاهیم استخراج شده از محور موانع توسعه اقتصادی - اجتماعی بر اساس برنامه‌های ۵ ساله

ردیف	مقوله‌ها	نوع مقوله
۱	پاسخگویی حاکمیت قانون اجماع عمومی شفافیت کارایی و اثربخشی حقوق مساوی مسئولیت پذیری مشارکت	شرایط علی
۲	فعالیت بخش خصوصی استقلال مردم و رسانه‌ها نقش دولت اشتراک دولت و مردم ظرفیت سیاسی و سازمانی دولت دولت و تأمین رفاه بسترسازی دولت	زمینه‌ای
۳	تخصص نخبه‌گرایی نوآوری	مداخله‌گر
۴	دولت آینده فروش رانت بیشتر از محل نفت تولید نفت و مشروط کردن آینده کشور وابستگی تولید به درآمدهای نفتی اقتصاد نفتی شکل‌گیری فعالیت‌های انگلی تسخیر دولت و کنترل منابع نفتی	هسته (اقتصاد تک محصولی)
۵	اعتماد اجتماعی انسجام اجتماعی حمایت اجتماعی مشارکت اجتماعی	تعامل‌ها
۶	رفاه‌گرایانه امنیت اجتماعی عدالت اجتماعی آموزش همگانی	پیامدها

بحث و نتیجه گیری

نظام برنامه ریزی برآمده از مبانی نظری و فضای فکری در بستری از شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است در برنامه ریزی برای توسعه کشور آنچه اهمیت دارد این است که سیاست های برنامه ها در راستای قانون اساسی و در یک سند چشم انداز بوده و در درون برنامه ها نیز سیاست ها تا جای ممکن در یک جهت با ثبات و با حداقل نوسان پیش روند، چرا که در یک دوره پنج ساله مشاهده نتایج مثبت و روند قابل دستیابی نیست و چنانچه در هر برنامه سیاست ها چرخش و نوسان اساسی داشته باشند و بر زیربنای یکدیگر استوار نباشند به نقطه مطلوب نخواهد رسید، همچنین ضروری است که سیاست های اتخاذ شده بر مبنای مقتضیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و منطبق با وضعیت اجتماعی ایران، با نگاه جهانی و بین المللی باشد. سرمایه انسانی یکی از مهم ترین متغیرهای تبیین کننده ی سطح توسعه و رفاه جوامع در سطوح گوناگون بوده و مورد توجه خاص سیاست گذاران و برنامه ریزان بوده است. الگوی سرمایه انسانی با توجه به ویژگی ها و شاخص های آن که بر نخبه گرایی، نوآوری و تخصص تأکید دارد عرصه جدیدی در نوع سیاست گذاری، ماهیت دولت و همچنین کنش نیروهای اجتماعی خواهد گشود که در آن توسعه اقتصادی- اجتماعی بر پایه سازماندهی و مدیریت کیفی و کارآمد دولت و شراکت تمام نیروهای اجتماعی استوار است.

پژوهش حاضر به منظور بررسی سرمایه انسانی بر توسعه اقتصادی - اجتماعی با تأکید بر برنامه های ۵ ساله توسعه اول تا ششم در بین دانشجویان دوره دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال به روش ترکیبی اکتشافی انجام گرفته است. نتایج بخش کمی این پژوهش نشان داد که در سطح اطمینان ۹۵٪ بین متغیرهای نخبه گرایی، نوآوری و تخصص با توسعه اقتصادی - اجتماعی رابطه معناداری وجود داشته است. در تبیین فرضیه تحقیق می توان گفت که هر قدر در جامعه توسعه سرمایه انسانی بیشتر باشد توسعه اقتصادی - اجتماعی بیشتر تحقق خواهد یافت. یافته های کمی و کیفی تحقیق حاضر بر اساس شاخص های سرمایه انسانی نیز نشان دهنده همبستگی بالا میان این شاخص ها و توسعه اقتصادی اجتماعی است.

نخبه‌گرایی در سرمایه‌انسانی به این معنی است اندیشمندان و مفسران نظریه‌های علوم سیاسی و اجتماعی اغلب بر این باورند که نخبگان، شامل اقلیت کوچکی می‌شوند که از قدرت نفوذ و تاثیرگذاری بر اکثریت مردمان در جوامع مختلف بشری برخوردارند. از یک منظر کلی، نخبگان به چهار گروه عمده تقسیم می‌شوند: نخبگان سیاسی (یا به عبارت دقیق‌تر، نخبگان قدرت سیاسی)، نخبگان اقتصادی؛ نخبگان نظامی و در نهایت، نخبگان فکری در حوزه‌ی اقتصادی، نخبگان اقتصادی کسانی هستند که به انحاء و درجات مختلف تاثیرگذار و ذی‌نفوذ می‌باشند. مؤلفه‌های سرمایه‌انسانی بایکدیگر در ارتباطند و بر هم اثرگذار هستند. بنابراین مؤلفه‌های نخبه‌گرایی، نوآوری با تخصص همبستگی دارند. بر اساس یافته‌های تحقیق بین‌میزان نخبه‌گرایی و توسعه اقتصادی - اجتماعی همبستگی بالایی وجود دارد. این نتیجه تحقیق با نتیجه تحقیق ذوالفقاری (۱۳۹۳)، جهانگیری و گروسی (۱۳۹۹) و رهبری (۱۳۸۸) همسو است.

برآورد تحقیق نشان می‌دهد که نوآوری به طور مثبت با توسعه اقتصادی - اجتماعی ارتباط معنی‌دار دارد. نوآوری، بکارگیری ایده‌های نوین ناشی از خلاقیت است. در واقع به پیاده ساختن ایده ناشی از خلاقیت که به صورت یک محصول یا خدمت تازه ارائه شود. نوآوری توسعه و کاربرد ایده جدید به صورت محصول، فرآیند یا خدمت جدیدی است که منجر به رشد پویای اقتصاد ملی و افزایش استخدام برای تولید سود در شرکت نوآور می‌باشد. نوآوری پدیده‌ای نیست که فقط یک بار رخ دهد، بلکه فرآیندی مستمر و متشکل از فرآیند تصمیم‌گیری سازمانی در تمام مراحل، از توسعه جدید تا کاربردی شدن آن می‌باشد. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های حسنی (۱۳۹۲) خداد حسینی و همکاران (۱۳۹۱)، کارگر شهامت (۱۳۹۷) همسو می‌باشد.

تخصص در سرمایه‌انسانی که تغییرات در کیفیت نیروی کار را مد نظر دارد. اغلب اقتصاددانان معتقدند که سرمایه‌گذاری در انسان و مخارج مصرف شده در آموزش‌های شغلی و بهداشت نیروی کار، کیفیت نیروی کار را افزایش می‌دهد و بر بهره‌وری اثر مثبت دارد. پذیرش سرمایه‌انسانی به عنوان یک محور اصلی در ادبیات اقتصادی به اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی مربوط می‌شود؛ یعنی زمانی که اقتصاددانان تلاش کردند توضیح قانع‌کننده‌ای برای بخش چشمگیری از رشد اقتصادی که بدون

توضیح باقیمانده بو ، ارائه دهند. ایده اصلی نظریه سرمایه انسانی مبتنی بر این نکته است که سرمایه- گذاری در منابع انسانی سبب افزایش توان تولید افراد و در نهایت، بهبود رشد اقتصادی می‌شود. البته، از نظر تاریخی سرمایه‌گذاری در منابع انسانی به افزایش رشد اقتصادی منجر می‌شود. اسمیت و اقتصاددانان کلاسیک نیز بر اهمیت سرمایه‌گذاری در زمینه مهارت و تخصص نیروی کار تأکید داشتند. چنین تفکراتی منجر به این شد که در یک تابع تولید، علاوه بر تعداد یا کمیت نیروی کار، کیفیت نیروی انسانی مانند: تحصیلات رسمی و آموزش ضمن کار نیز وارد الگو شود. نتیجه تحقیق حاضر با تحقیق آقایی و همکاران(۱۳۹۲)، سیف‌اللهی و ملکی (۱۳۸۹)، نجات (۱۴۰۰) همسو است. با توجه به نتایج بخش کمی که حاکی از ارتباط معنادار میان شاخص‌های سرمایه انسانی (نخبه‌گرایی، نوآوری و تخصص) و توسعه اقتصادی - اجتماعی و کیفی که حضور این شاخص‌ها (پاسخگویی، حاکمیت قانون، اجماع عمومی، شفافیت ، کارایی و اثربخشی، حقوق مساوی، مسئولیت پذیری و مشارکت به عنوان مقوله‌های علی، اقتصاد تک محصولی به عنوان مقوله محوری، فعالیت بخش خصوصی، استقلال مردم و رسانه ها ، نقش دولت، اشتراک دولت و مردم، ظرفیت سیاسی و سازمانی دولت ، دولت و تأمین رفاه و بسترسازی دولت به عنوان مقوله‌های زمینه‌ای، تخصص، نخبه‌گرایی و نوآوری به عنوان مقوله‌های مداخله‌گر اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی ، حمایت اجتماعی و مشارکت اجتماعی به عنوان مقوله راهبرد نظریه زمینه‌ای) را ایجاد کرده است، پیشنهاد می‌شود:

- بر اساس نتایج به دست آمده از این مطالعه مبنی بر این که افزایش سرمایه انسانی تأثیر مثبتی بر توسعه اقتصادی- اجتماعی دارد و برای دستیابی به توسعه اقتصادی بیشتر، افزون بر سرمایه‌گذاری در سرمایه مادی، سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی نیز مورد نیاز است، می‌توان گفت که سیاست‌گذاران به منظور دستیابی به توسعه اقتصادی - اجتماعی، نباید فقط به منابع متداول رشد از جمله نیروی کار و موجودی سرمایه فیزیکی اکتفا کنند، بلکه لازم است نهاد مهم سرمایه انسانی را

نیز مورد توجه قرار دهند و در جهت بهبود آن تلاش کنند. بهبود نهاده سرمایه انسانی در کل کشور به توسعه اقتصادی - اجتماعی منجر می‌شود.

- بر اساس نتایج به دست آمده، برای دستیابی به رشد اقتصادی بیشتر علاوه بر سرمایه انسانی، نیروی کار نیز مورد نیاز است و ضروری است سیاستگذاران به کیفیت این نهاده نیز توجه کنند و با تشکیل کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی تخصصی برای نیروی کار غیر ماهر، سطح مهارت و تخصص آنها را افزایش دهند. افزایش مهارت‌ها، قابلیت‌ها و کارآمدی بیشتر نیروی کار غیر ماهر موجب ارتقای کیفیت تولید و نیز بالا بردن کارایی استفاده از سرمایه‌های مادی و به کارگیری بهینه آنها می‌شود.
- تخصص، تنها در صورتی به رشد اقتصادی بیشتر می‌انجامد که از افراد متخصص در جایی که موجب افزایش بهره‌وری در تولید می‌گردد، استفاده شود. بنابراین تلاش در جهت کاربردی نمودن تخصص، استفاده از دانش نوین در عرصه‌های مختلف علمی و بکارگیری دانش آموختگان در تخصص‌های تحصیلی خود، از شروط تأثیرگذاری مثبت تخصص بر توسعه اقتصادی است.

منابع

- آقایی، مجید، رضاقلی زاده، مهدیه و فریده باقری (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در استان‌های ایران، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۶۷: ۴۴-۲۱.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا، (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی توسعه، تهران، انتشارات کیهان.
- تقوی، مهدی و حسین محمدی (۱۳۸۵)، تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در ایران، پژوهش‌نامه اقتصادی، شماره ۲۲: ۴۳-۱۵.
- جغتایی، فائزه و همکاران. (۱۳۹۵). ابعاد و مؤلفه‌های توسعه اجتماعی در برنامه‌های توسعه، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال شانزدهم، شماره ۵۵: ۶۳-۸۸.
- جهانگیری، سعید و ناصر گروسی (۱۳۹۹). آثار و نقش الیتسیم در توسعه سیاسی و اقتصادی در کشور در عصر پهلوی دوم، فصلنامه «پژوهش‌های انقلاب اسلامی» انجمن علمی انقلاب اسلامی ایران سال نهم، شماره ۹: ۹۳-۱۱۴.
- جوانمرد، حبیب اله و فاطمه محمدیان (۱۳۸۹)، شاخص‌های مؤثر در سنجش سرمایه‌ی انسانی، فصلنامه‌ی پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، سال دوم، شماره ۱.
- حسینی، زهرا. (۱۳۹۲). بررسی اثرات سرمایه انسانی بر رشد و توسعه اقتصادی در ایران دوره زمانی (۱۳۶۸-۱۳۹۰)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.

- خدادادحسینی، سید حمید، ریاحی، پریسا و مینا نوری. (۱۳۹۱)، پیشبرد نوآوری در کشورهای در حال توسعه: بررسی برنامه‌های توسعه اقتصادی در ایران، فصلنامه سیاست علم و فناوری، سال ۴، شماره ۳.
- ذوالفقاری، وحید. (۱۳۹۳). نخبگان توسعه گرای چین و تکوین جامعه همگن. فصلنامه مطالعات سیاسی سال هفتم، شماره ۲۸: ۱۷۳-۱۹۰.
- رهبری، مهدی (۱۳۸۸). نخبگان و شکل گیری گفتمان توسعه در ایران، پژوهش حقوق و سیاست، سال نهم، شماره ۲۲.
- شقایق شهری، وحید. (۱۳۹۶). ارزیابی برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور از منظر تحقق اهداف اقتصادی سند چشم انداز، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۲۵، شماره ۹۴.
- ریبعی، مهناز (۱۳۸۸)، اثر نوآوری و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در ایران، مجله دانش و توسعه (علمی - پژوهشی)، سال شانزدهم، شماره ۲۶.
- سیف الهی، سیف اله و مریم ملکی. (۱۳۸۹). بررسی تاثیر سرمایه انسانی بر توسعه اقتصادی با تاکید بر نقش توزیع نیروی متخصص کار در ایران با تاکید بر برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بین سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۸. مجله جامعه شناسی معاصر، سال دوم، شماره ۳.
- شیرزادی، رضا و الهام سخایی (۱۳۹۰)، جهانی شدن و برنامه توسعه در ایران (۱۳۶۸-۱۳۹۰)، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال سوم، شماره ۱۲: ۱۷۵-۱۹۸.
- طلوعی، سوسن و حسین تفضلی (۱۴۰۰)، جایگاه نخبه گرایی در توسعه سیاسی با نگاهی به دو گفتمان سازندگی و اصلاحات، در جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علمی رهیافت انقلاب اسلامی، سال ۱۵، شماره ۵۴.
- عمادزاده، مصطفی، خوش اخلاق، رحمان و مسعود صادقی (۱۳۷۹)، نقش سرمایه انسانی در رشد اقتصادی، مجله برنامه و بودجه، شماره ۴۹: ۳-۲۵.
- عبدی، حسن، خسروی، جمال و پرویز محمدرزاده (۱۳۹۷)، اثرات سرمایه های فیزیکی، انسانی و اجتماعی بر توسعه سطح کارآفرینی فعالان اقتصادی شهرک صنعتی شهید سلیمی تبریز: رویکرد معادلات ساختاری و لاجیت رتبه ای، فصلنامه تحقیقات مدل سازی اقتصادی، شماره ۳۳.
- غفاری، غلامرضا و امیدی، رضا. (۱۳۸۸)، کیفیت زندگی، شاخص توسعه اجتماعی، تهران: نشر شیرازه.
- فوزی، یحیی (۱۳۹۵)، تحول دولت ها و عملکرد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، د سال هفتم، شماره سوم: ۲۷-۵۸.
- کوزر، لوئیس آلفرد (۱۳۹۹). زندگی و اندیشه‌ی بزرگان جامعه‌شناسی، تهران: علمی.

۵۴... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال شانزدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱

کارگر شهامت، بهمن (۱۳۹۷). نظریه شبکه‌های نوآوری؛ رویکرد تحلیلی به روابط اجتماعی اقتصادی، فصلنامه سیاست نامه علم و فناوری، دوره ۸، شماره ۲.

محمدی، تیمور و سیروس امیدوار (۱۳۹۴)، اثرات متقابل سرمایه انسانی و نهادها بر فرایند رشد اقتصادی و اشارات آن برای اقتصاد ایران، پژوهش‌های رشد توسعه پایدار، سال پانزدهم، شماره ۱.

مصطفوی، سید محمد حسن (۱۳۹۵)، مروری بر برنامه‌های توسعه کشور با تأکید بر برنامه ششم و مقایسه آنها با معیار برخی شاخص‌های مرتبط با اقتصاد اسلامی، همایش برنامه ششم توسعه از دیدگاه اقتصاد اسلامی.

محمدپور، احمد (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش ۱ و ۲. تهران: جامعه‌شناسان.

نجات، سید امیر رضا (۱۴۰۰)، نقش سرمایه انسانی در تحقق اهداف کلان سند توسعه دانش، تحقیقات و مطالعات انتظامی، فصلنامه منابع انسانی ناجا، سال ۱۵، شماره ۶۳.

- Aurora A.C. Teixeira, Anabela S.S. Queirós, (2016) Economic growth, human capital and structural change: A dynamic panel data analysis, Research Policy, Volume 45, Issue 8, Pages 1636–1648.
- Imran, Muhammad & Bano, Sumaira & Azeem, Masood & Mehmood, Yasir & Ali Abid, (2012), "Relationship between Human Capital and Economic Growth: Use of Co-integration Approach", Journal of Agriculture & Social Sciences, Vol. 8, No. 4, PP: 135-138.
- Ko-Hsin Yong (2010), Human Development and Government Effectiveness, Oxford University Press, Washington, DC.
- Loflhn, Katherine Torres (2003), Bonding and Bridging Social Capital and their relationship to community and political civic engagement, the university of North Carolina at chapel hill.
- Naya, Patrick Danel & Ndeffo Luc, Nembot & Edokat E. Tafah, (2012), "Human Capital and Economic Growth in Cameroon", Online Journal of Social Sciences Research, Vol. 1, Issue 3, PP: 78-84.
- Middendorf, Torge, (2003), "Human Capital and Economic Growth in OECD Countries", RWI: Discussion Papers, No. 30, PP: 1-20.